

موساد در دوران انقلاب اسلامی

۱۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۰۵

از همان آغاز، روابط ایران و اسرائیل با مخالفت‌هایی در بین محافل سیاسی - اجتماعی روبه رو شد. همزمان با گسترش روابط دو کشور در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ ش. روند مخالفت با نفوذ اسرائیل در ایران، از سوی مخالفان سیاسی حکومت، به ویژه روحانیون، افزایش یافت. به همین دلیل روحانیون و گروه‌های مسلمان بیش از سایر گروه‌های سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته و از مخالفت با اسرائیل منع شدند...

از همان آغاز، روابط ایران و اسرائیل با مخالفت‌هایی در بین محافل سیاسی - اجتماعی روبه رو شد. همزمان با گسترش روابط دو کشور در دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۵۰ ش. روند مخالفت با نفوذ اسرائیل در ایران، از سوی مخالفان سیاسی حکومت، به ویژه روحانیون، افزایش یافت. به همین دلیل روحانیون و گروه‌های مسلمان بیش از سایر گروه‌های سیاسی تحت تعقیب قرار گرفته و از مخالفت با اسرائیل منع شدند.

روحانیون و علمای دینی از همان سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰ که تلاش‌هایی برای آغاز روابط غیررسمی سیاسی بین ایران و اسرائیل صورت گرفت، طی اعلامیه‌های متعددی ایجاد هرگونه رابطه با دولت صهیونیستی را محکوم کردند. البته روند مخالفت روحانیون و اسلام‌گرایان، با نوساناتی چند ادامه یافت. در سال‌های نخست دهه ۱۳۴۰ موج جدیدی از مخالفت روحانیون به رهبری امام خمینی (ره) با اسرائیل آغاز شد. در همان حال ساواک و سایر دستگاه‌های امنیتی و انتظامی، روحانیون مخالف حکومت را هشدار می‌دادند که سخنی در مخالفت با اسرائیل و روابط آن با رژیم پهلوی بر زبان نرانند. حساسیت رژیم پهلوی و ساواک نسبت به مخالفت مردم با حضور اسرائیل در ایران در تمام سال‌های دهه ۱۳۴۰ و دهه ۱۳۵۰ کاستی نگرفت. تا جایی که حتی مخالفان از به کار بردن واژه‌هایی نظیر بنی‌اسرائیل که در قرآن کریم بدان اشارت رفته بود، منع شدند. آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در بخش‌هایی از خاطرات خود در این باره چنین اظهار داشته است:

متأسفانه در کشورهای دیگر این فرصت را به مردم نمی‌دهند که اقلأ غصه‌های خودشان را نسبت به این قضایای عظیم امت اسلام بر زبان جاری کنند. شما کشورهای عربی را ببینید چقدر انسان‌هایی هستند که از قضایای مربوط به سازش با دشمن صهیونیستی دلشان خون است ولی نمی‌توانند چیزی بگویند، مثل وضع خود ما در دوران رژیم گذشته، که آن روز دل‌های ما خون بود ولی نمی‌توانستیم چیزی بگوییم.

بنده یک وقتی در قبل از انقلاب به مناسبت تفسیر آیات مربوط به بنی‌اسرائیل در اوایل سوره بقره، چیزهایی را در جمع

دانشجویان گفته بودم. بعد بنده را در یکی از بازداشتها، زیر منگنه و سئوال و بازجویی قرار دادند که چرا شما اسم اسرائیل را آوردید؟ چون من از بنی اسرائیل صحبت کرده بودم و بحث مربوط به آیات بنی اسرائیل بود! گفتند: چرا اسم اسرائیل را آوردید؟! یعنی در آن دوران، کسی که تفسیر قرآن هم می کرد حق نداشت از بنی اسرائیل یک کلمه بگوید که مبادا به متحد آن رژیم خبیث و خائن (پهلوی) که آن وقت با اسرائیل روابط گرمی داشت بر بخورد. در خیلی از کشورهای اسلامی امروز هم، مثل همان وضع، حاکم است. ۱

مخالفت با اسرائیل محدود به روحانیون و علمای مذهبی نمی شد. برخی گروههای سیاسی دیگر نیز ضمن انتقاد از سیاستهای تجاوزکارانه اسرائیل در فلسطین، روابط گسترده این کشور را با رژیم پهلوی محکوم می کردند.

علاوه بر مخالفان سیاسی - مذهبی، جو عمومی جامعه نیز نسبت به اسرائیل غیر دوستانه و مخالفت آمیز می نمود. مراقبتهای شدید ساواک از افراد، مؤسسات و سازمانهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، تجاری اسرائیلی و یهودی در ایران حاکی از جو عمومی غیردوستانه مردم ایران نسبت به اسرائیل بود. نمونه بارز تدابیر شدید امنیتی ساواک در قبال اسرائیلیها هنگام برگزاری بازیهای آسیایی در تهران و حضور ورزشکاران اسرائیلی در تهران روی داد و ساواک «حدود ده هزار نفر از دانشجویان و اشخاص مظنون» را بازداشت کرد. ۲ با این احوال همزمان با برگزاری مسابقه فوتبال بین تیمهای ملی ایران و اسرائیل که به شکست تیم اسرائیل منجر شد، مردم تهران احساسات ضداسرائیلی آشکاری به نمایش گذاشتند.

موساد در مبارزه با مخالفان سیاسی حکومت ایران هم همکاری پیدا و پنهانی با ساواک داشت. در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ که با گسترش مخالفتهای سیاسی - مذهبی، گروههای چریکی متعددی نیز به صف مخالفان حکومت پیوستند، موساد در شناسایی و ردیابی مخالفان حکومت نقش قابل اعتنایی داشت. ۳ بسیاری از مخالفان سیاسی حکومت ایران در کشورهای مختلف عربی (به ویژه لبنان، سوریه و تا حدی مصر) که با برخی از گروههای فلسطینی و ضداسرائیلی هم ارتباطاتی داشتند در همکاری مشترک ساواک و موساد شناسایی شده و تحت تعقیب قرار گرفتند. ۴

همزمان با گسترش فعالیت مخالفان سیاسی، موقعیت رژیم پهلوی در داخل و نیز در عرصه های بین المللی با مشکلاتی مواجه می شد و انتقاد از عملکرد حکومت و فشار روزافزون بر مخالفان، به رسانه های گروهی جهان، گروههای مختلف حقوق بشر و نظایر آن کشیده می شد. در این دوره موساد تلاش می کرد تا با بهره گیری از رسانه ها و مطبوعات تحت کنترل خود چهره ای مساعد و موفق از رژیم پهلوی ارائه دهد. روند این همکاریها طی سالهای نخست دهه ۱۳۵۰ گسترش یافت و در دوران ریاست جمهوری جیمی کارتر که با آغاز حرکت انقلابی مردم ایران همراه بود سرعت بیشتری گرفت. ۵ به رغم اقداماتی از این نوع، در سالهای میانی دهه ۱۳۵۰ موقعیت رژیم پهلوی متزلزلتر از آن بود که نوسنداروهای تبلیغی - رسانه ای، حتی در سطح بین المللی و جهانی، بتواند بر حیات این محتضر شفایی بخشد. همگام با گسترش مخالفتهای سیاسی، موقعیت اسرائیل نیز در ایران مورد تعرض انقلابیون قرار گرفت.

در دوران انقلاب، اسرائیل مورد نفرت و کینه انقلابیون بود. ۶ موساد تحولات انقلاب ایران را با حساسیت و جدیت پی می‌گرفت و از هر تلاشی در حمایت از رژیم پهلوی فرو نمی‌گذاشت. برخلاف سیا که بسیار دیر متوجه شد رژیم پهلوی دیگر قادر به ادامه حیات نخواهد بود، موساد و نمایندگی سیاسی اسرائیل در تهران که ارتباط مستقیمی با ساواک داشت، ماهها قبل از سیا به دولت متبوع خود هشدار داد که شاه ایران در برابر مخالفان مدت طولانی دوام نخواهد آورد و سقوط نهایی رژیم پهلوی حتمی خواهد بود. ۷ در همان حال اسرائیل از هر فرصت لازم برای روحیه دادن به شاه و لزوم مقاومت هر چه بیشتر در برابر مخالفان بهره می‌برد. از جمله اسحاق رابین نخست‌وزیر وقت اسرائیل که در آن هنگام مذاکرات صلح با مصر را دنبال می‌کرد، طی روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور ۵۷ با ارسال پیامهایی برای شاه ایران، ضمن ابراز تأسف از رخدادهای جاری تأکید کرد که از هر تلاشی برای دفاع از حکومت او بهره خواهد برد.

همزمان با گسترش حرکت انقلابی مردم ایران، موساد نیز بر فعالیت خود در ایران افزود. نمایندگی سیاسی اسرائیل در تهران بیش از پیش اقدامات و سیاستهایش را با موساد و ساواک هماهنگ می‌کرد تا بلکه جهت کنترل ناآرامیهای سیاسی راهی بیابد. همچنین موساد به تقویت هر چه بیشتر بنیه دفاعی، آموزشی، تهاجمی و اطلاعاتی ساواک می‌پرداخت تا در مقابله با انقلابیون و مخالفان شاه کارآمدتر از گذشته عمل کند. ۸ نیز موساد در تلاش بود تا مخالفان رژیم پهلوی را در کشورهای مختلف عربی تحت کنترل درآورده و جاسوسان مشترک بیشتری به کشورهای عربی اعزام کرد. موساد آمادگی داشت تمام امکانات و توانایی بالقوه و بالفعل خود را در حمایت از رژیم پهلوی به کار گیرد تا بلکه برای نجات نهایی شاه از سقوط حتمی راهی پیدا شود. ۹ چنانکه موساد و مجموعه تصمیم‌گیرندگان اسرائیل به درستی درک کرده بودند، سقوط شاه ضربه جبران‌ناپذیری بر منافع اسرائیل در ایران و خاورمیانه وارد کرده، موضع آن را در برابر کشورهای عربی و مسلمانان تضعیف می‌ساخت. ۱۰

تنفر از اسرائیل و موساد در میان مخالفان حکومت پهلوی در دوران انقلاب اسلامی، هنگامی بیش از پیش غلیان یافت که شایع شد مأموران موساد در ایران، بر روی تظاهرکنندگان مخالف حکومت آتش گشوده و در سرکوب مستقیم مردم ایران همدست ساواک و سایر مراجع انتظامی و نظامی رژیم پهلوی شده‌اند. تا جایی که همان زمان «اسرائیلیان به جلاد خلق ایران شهرت پیدا کردند». ۱۱ در ۳۰ مهر ۱۳۵۷ هم برخی خبرگزاریها از قول مخالفان حکومت پهلوی در خارج از کشور، خبر دست داشتن مأموران موساد، در کشتارهای دوران انقلاب را منتشر کردند:

در همین شرایط، امروز کنفدراسیون دانشجویان ایرانی (فدراسیون آلمان) با صدور اعلامیه‌ای، یک بار دیگر خواهان توجه بیشتر افکار عمومی به اوضاع ایران شد. در این اعلامیه گفته شده که تعداد شهدای حوادث هفته‌های اخیر ایران پانصد هزار نفر است و دولت [ایران] با کمک دولتهای امپریالیستی نظیر آمریکا و نیز دخالت دادن سربازان اسرائیلی در کشتار تظاهرکنندگان، روی واقعیت حوادث ایران و قیام مردم سرپوش گذاشته است. کنفدراسیون بار دیگر ساواک را مسئول کشتار سینما رکس آبادان خواند و وسایل ارتباط جمعی آلمان را متهم کرد که تحت تأثیر تبلیغات دستگاههای وابسته به ایران هستند. ۱۲

به رغم تمام این احوال، حرکت مردم مسلمان ایران که توسط امام خمینی(ره) رهبری می‌شد، توفنده‌تر از آن بود که حامیان

خارجی شاه و از جمله موساد و اسرائیل بتوانند در روند پیروزی آن مانعی ایجاد کنند. آخرین اقدامی که گفته شده موساد برای جلوگیری از سقوط نهایی شاه ایران در صدد انجام آن بود، مشارکت در کودتای ارتش شاه و ترور امام خمینی(ره) در پاریس بود. مصطفی الموتی از قول اری بن مناشه از مأموران عالی رتبه موساد در این باره چنین نوشته است:

در آوریل سال ۱۹۷۸ رؤسای من نظریاتم را درباره رویدادهای ایران و انقلاب قریب‌الوقوع آن کشور پذیرفتند و کنفرانسی که نمایندگان سیا نیز در آن شرکت داشتند، یکی از تحلیلگران آمریکا (عضو سیا) نظر مرا بی اساس خواند و مدعی شد آنچه که در ایران می‌گذرد سرو صدای بچگانه‌ای است که به زودی آرام خواهد شد. در دسامبر سال ۱۹۷۸ طرحی از طرف (رافی ایتان) مشاور امور ضدتروریستی نخست‌وزیر اسرائیل تهیه شد که خمینی در پاریس ترور شود.

سیا نیز موافقت خود را اعلام داشت تا یک تیم تروریستی اسرائیل به پاریس برود و خمینی را ترور کرده بازگردد.

برای حمله به اقامتگاه خمینی در نوفل لوشاتو و مصدوم کردن خمینی تیم کماندویی سرهنگ آصف هفتز Heftez Assef رئیس گارد ویژه پلیس ضدتروریسم اسرائیل در نظر گرفته شده بود.

بدیهی است که این تیم قادر بود مأموریتی را که بر عهده‌اش قرار می‌گرفت با موفقیت اجرا کند و بدون برخورد با اشکال و مانعی به اسرائیل بازگردد. ولی موانع اجرای طرح جای دیگری بود. اوری لوبرانی Lubrani Uri نماینده سیاسی اسرائیل در ایران مأموریت یافت که موضوع را با شاه در میان بگذارد. شاه بی‌تأمل مخالفت کرد و گفت اجازه نخواهد داد جوی خون در کشور جاری شود. او عقیده داشت در صورتی که ژنرالها قدرت را به دست گیرند خونریزی اجتناب‌ناپذیر می‌گردد و می‌پنداشت بدون نیاز به چنین اقدامی او قادر خواهد بود بر بحران غلبه کند. لوبرانی پس از ملاقات شاه به سازمان اطلاعاتی اسرائیل اطلاع داد که نه شاه دیگر می‌تواند در قدرت باقی بماند و نه ژنرالها قادر به کودتا هستند. کشور عملاً در اختیار رهبران مذهبی قرار گرفته است... ۱۳

با سقوط رژیم پهلوی فصل نهایی همکاریهای مشترک موساد و ساواک پایان یافت و برخی از افسران و مدیران بلندپایه و ارشد ساواک هم به اسرائیل پناهنده شدند.

۱. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، هفتاد خاطره و حکایت (از زبان رهبر معظم انقلاب اسلامی)، ج ۱، تهران، ۱۳۷۴، صص ۵۳-۵۴.
۲. ویلیام سالیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، ج ۱، تهران، علم، ۱۳۷۲، ص ۲۷۲.
۳. مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱۱، چ ۱، تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ۱۳۶۵، صص ۸۹-۹۳.
۴. محمد حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، چ ۴، تهران، الهام، ۱۳۶۶، صص ۱۳۲-۱۳۴.
۵. اسدالله علم، یادداشت‌های علم، ج ۲، به کوشش علینقی عالیخانی، چ ۱، تهران، کتابسرا، ۱۳۷۷، صص ۷۰۸ و ۷۴۹-۷۵۰.
۶. کریستین دلانوا، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چ ۱، تهران، طرح نو، ۱۳۷۱، صص ۲۳۴-۲۳۵.
۷. مایکل لدین، هزیمت یا شکست رسوای آمریکا، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، چ ۱، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۲، صص ۱۷۰-۱۷۳.

۸. مجموعه اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۱۱، صص ۱۰-۳.
۹. تقی نجاری راد، همکاری ساواک و موساد، چ ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۳-۲۸۲.
۱۰. جهانگیر آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ترجمه اردشیر لطفعلیان، چ ۱، تهران، مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۵، ص ۲۰۵.
۱۱. کریستین دلانوا، ص ۲۳۵.
۱۲. روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۶، چ ۱، تهران، حوزه هنری تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۴۶.
۱۳. مصطفی الموتی، ایران در عصر پهلوی، ج ۱۶، چ ۱، لندن، پکا، ۱۳۷۳/ش/۱۹۹۵م، صص ۱۱۶-۱۱۷.

منبع: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۵۳۳/اسلامی-انقلاب-دوران-موساد>